

مهاجرت، رشد جمعیت و توسعه



ترجمه و تلخیص از: فاطمه نقی‌فیزی تروینی

اهدایی به کتابخانه
د. احمد پور احمد

هستند. هدف این مهاجرین دقیقاً همان هدف مهاجرین پیشین است که آنها را تشویق به مهاجرت کرده و در یافتن شغل به آنها کمک می‌سازد. جو ارتباطی شهرها نیز خود مشوق مهاجرت می‌باشد. صنایع و سوله‌ها و بازگشت به روستا هم که راحت و ارزان است.

مهاجرین معمولاً از این حرکت خود استفاده، مادی فراوانی می‌برند. حتی در کارهایی که نیاز به هیچگونه مهارتی ندارند. بیشتر مهاجرین خیلی زود با خصوصیات زندگی شهری مأنوس می‌شوند، خصوصاً آنکه گسستگی‌های اجتماعی نظیر تعویق ازدواج و ترک خانواده را سیر بدنیال دارد. برای مهاجر، بیکار ماندن و حتی آخیر شدن در سهرها یا صرفه‌تر از ماندن در روستاست، چنانکه درآمد شخص حتی از بیکار ماندن در شهر هم کمتر است.

اغلب مهاجرین به کارهایی مشغول می‌شوند که شهرنشینان از آن آگراه دارند و جهت کسب درآمد بیشتر از هیچ کاری روگردان نیستند. دستمزد کمی که آنها در ابتدا به ازاء کاری قبول می‌کنند خود باعث پائین نگهداشتن قیمت‌ها می‌شود. حال روشن نیست که آنها واقعا تا چه حد مشاغل موجود در شهر را به خود اختصاص داده و موجب بیکاری اهالی بومی منطقه می‌شوند. ولی دیده شده است که گاهی برای یافتن شغلی بین خود مهاجرین و یا بین آنها و افراد بومی اصطکاک پیش می‌آید.

سیاستها و برنامه‌های دولت:

دولتهایی که نگران رشد سریع جمعیت شهرها و در نتیجه شدن رشد اقتصادی کشورشان هستند، سیاستهای گوناگونی برای مبارزه با این امر اتخاذ نموده‌اند. برخی از روشهایی که برای ممانعت از این جریان پیش گرفته‌اند عبارتند از:

جمعیت کشورهای در حال توسعه در خلال سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ به دو برابر یعنی از ۱/۷ میلیارد به ۳/۳ میلیارد افزایش یافته است. یکی از اثرات بارز این افزایش، توسعه سریع شهرهاست. بسیاری از شهرهای آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی افزایشی با میزان ۸ درصد در طی این مدت داشته است. و جناحه این میزان به همین ترتیب ادامه یابد در کمتر از ۱۰ سال جمعیت آنها به دو برابر جمعیت فعلی خواهد رسید. طبق محاسبات آماری بطور متوسط ۶۰ درصد از رشد جمعیت شهرها علت تولد و ۴۰ درصد دیگر تنها به دلیل مهاجرت روستائیان به شهر است.

ساستگران این کشورها شدیداً نگران مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افزایش شهرنمیزی هستند، و با وجودیکه دولتها روشهای گوناگونی جهت مبارزه با این امر اتخاذ می‌سازند، تاکنون موفقیت چندانی حاصل نگشته است. زیرا مادمیکه تفاوت‌های فاحش بین مناطق شهری و روستایی از نظر امکان دستیابی به مشاغل و سطح دستمزدها وجود دارد، امیدی به متوقف شدن این جریان باقی نمی‌ماند.

انگیزه‌های اقتصادی:

مهمترین انگیزه مهاجرت روستائیان به شهر انگیزه اقتصادی است. بجز آوارگان جنگی، اغلب مهاجرین به این علت روستا را ترک و به شهر روی می‌آورند که شغلی بهتر یا دستمزدی بیشتر بیابند. در بسیاری از موارد تصمیم به مهاجرت توسط کلیه اعضاء خانواده اتخاذ می‌شود، زیرا پولی که شخص یا اشخاص مهاجر برای خانواده ارسال می‌کنند موجب بهبود وضع زندگی آنان نیز خواهد شد. افراد مهاجر عموماً جوان (بین ۱۵ تا ۳۵ ساله)، با اندکی سواد و دارای شجاعت بیشتری برای به مخاطره افکندن زندگی خود

— اجرای برنامه‌های توسعه، روستائی بمنظور ایجاد شغل و جلب روستائیان .

— قرارداد دادن محدودیت‌هایی برای تهیه مسکن و اشتغال به کار در شهرها .

— کنترل افراد از نظر محل اقامت و صدور مجوز برای تغییر محل. برخی دیگر روشهای زیر را برای انصراف مهاجرین از زندگی در شهرهای بزرگ برگزیده‌اند :

— ایجاد انگیزه برای صنایع و کارگران و انتقال آنها به مناطق دیگر
— ایجاد شهرک‌های مهاجرنشین و حمایت از منتقل شوندگان
— ایجاد شهرهای جدید .

همه این تلاشها نیازمند قدرت سیاسی، بودجه‌ای قابل توجه، مدیریت کارآمد و گاهی زور و اجبار است. بعضی از تلاشها نیز ممکن است نتیجه‌ای معکوس بدهد. مانند بالا رفتن سواد و تحصیلات روستائیان و یا ساختن جاده‌ها که خود انگیزه‌ای برای نقل مکان آنها به شهرها می‌شود. علاوه بر سایر سیاستهای ملکتی مانند بالا بردن سطح دستمزد در شهرها، پائین بودن هزینه خوراک و تجمع ادارات دولتی عواطفی است که مشوق مهاجرین بوده و معمولاً "همه" سیاستهای علیه مهاجرت را خنثی می‌نماید. در این خصوص باید گفت شاید اتخاذ سیاستهایی برای محدود کردن و تحت نظم درآوردن مهاجرتها مؤثرتر و بهتر از حذف کامل مهاجرت باشد.

رشد جمعیت و توسعه شهرها:

جمعیت جهان طی سی سال اخیر سرعت افزایش یافته است. در سال ۱۹۵۰ جمعیت جهان ۲/۵ میلیارد نفر بود در حالیکه در سال ۱۹۸۰ این رقم به ۴/۴ میلیارد بالغ گردیده است. بیشتر این افزایش در کشورهای در حال توسعه رخ داده است. جمعیت منطقه شرق و جنوب آسیا در خلال این مدت به دو برابر و جمعیت آمریکای جنوبی و آفریقا در همین مدت به اندکی بیش از دو برابر بالغ گشته است.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نسبت سالانه رشد جمعیت از ۲ درصد هم بیشتر شده و جمعیت در کمتر از ۳۵ سال به دو برابر رسیده است. البته بعلمت کاهش توالد طی دهه ۱۹۷۰، نسبت سالانه رشد جمعیت از ۱/۹۶ در سالهای ۶۰-۱۹۵۰ به ۱/۷۰ در سال ۱۹۸۰ رسید. معادلک با جمعیت فعلی یعنی ۴/۴ میلیارد، و نسبت رشد سالانه ۱/۷، هر سال ۷۵ میلیون نفر به این جمعیت افزوده می‌شود، و چنانچه این نسبت به همین ترتیب ادامه یابد طی پنج سال آینده ۳۷۵ میلیون نفر، یعنی معادل جمعیت همه شهرهای آفریقا و آمریکای جنوبی به جمعیت دنیا افزوده خواهد گشت .

توسعه سریع شهرها و شهرنشینی:

یکی از مهمترین جنبه‌های افزایش سریع جمعیت در کشورهای در حال توسعه، که نگرانی اکثر دولتها را برانگیخته توسعه بیش از حد شهرهاست. در خلال سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ جمعیت شهرها در کشورهای در حال توسعه به ۳/۵ برابر رسیده. طی دهه ۱۹۶۰ شهرهای چون بغداد، لاگوس و شول نسبت سالانه‌ای بیش از ۷ درصد افزایش جمعیت داشته‌اند، بطوریکه در کمتر از ۱۱ سال جمعیت آنها دو برابر شده است این توسعه سریع موجب انتقال بزرگترین شهرهای دنیا از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه گشته. در سال ۱۹۵۰ تنها سه شهر با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت در دنیا وجود داشت. (نیویورک، لندن و توکیو). تا سال ۲۰۰۰ چنانچه نسبت افزایش بهمین طریق ادامه یابد، ۲۵ شهر انجمن در دنیا وجود خواهد داشت که ۲۰ تای آنها در کشورهای در حال توسعه قرار دارد. بزرگترین شهر یعنی مکزیکوسی در آن سال ۳۰ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت.

به این ترتیب شهرها نه تنها از نظر مساحت، بلکه از نظر رشد جمعیت نیز سریعاً توسعه یافته. در سال ۱۹۵۰، شهرنشینان ۱۷ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دادند، در حالیکه این رقم در سال ۱۹۸۰ به ۳۱ درصد رسیده. و بیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۰ به ۴۳ درصد بالغ گردد. تنها بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵، ۶۰ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه به شهرها مهاجرت نموده‌اند. در هند طی سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۱، ۴/۵ درصد از جمعیت روستاها یعنی بیش از ۱۲ میلیون نفر به شهرها رفته‌اند.

کشورهای آمریکای جنوبی و شرق آسیا بیشترین نسبت رشد را در دهه ۱۹۵۰ داشته‌اند، در حالیکه در حال حاضر حداکثر نسبت متعلق به کشورهای آفریقا و جنوب آسیا است. بطور کلی نسبت شهرنشینی در کشورهای آمریکای جنوبی (۶۵ درصد در سال ۱۹۸۰) از همه مناطق دیگر، یعنی آسیای شرقی (۳۳ درصد)، آفریقا (۲۹ درصد) و جنوب آسیا (۲۵ درصد) بالاتر است. بین وسعت فعلی شهرها و نسبت رشد آنها نیز روابط متفاوتی در مناطق وجود دارد. در آمریکای جنوبی، بزرگترین شهرها (با بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت)، سریعترین رشد را دارند. در آفریقا شهرهای کوچک (با کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ نفر جمعیت) دارای بیشترین نسبت رشد هستند، و در آسیای شرقی بین رشد شهرهای کوچک و بزرگ چندان تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

مهاجرت بین المللی کارگران:

در مقایسه با مهاجرت روستائیان به شهر، مهاجرت‌های بین - المللی رقم بزرگی را تشکیل نمی‌دهد. طبق محاسبات تفریسی تعداد مهاجرینی که در کشورهای بنگانه به کار مشغولند در سال

۱۹۷۵، ۱۴ میلیون و در سال ۱۹۸۰، ۲۰ میلیون نفر بوده است. البته به این رقم افراد خانواده مهاجرین نیز اضافه می‌شوند. نیمی از این عده بین کشورهای در حال توسعه مهاجرت می‌کند و از ۵۰ درصد بقیه، بیشترشان به کشورهای توسعه یافته می‌روند، علیرغم محدود بودن تعداد افرادی که به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند، این عمل به دلایل زیر توجه زیادی را بخود معطوف داشته:

۱- ارقام در بعضی از مناطق تکان دهنده است. بعنوان مثال آ. کارگرانی که در کشورهای نفت خیز به کار اشتغال دارند خارجی می‌باشند و یا ۵۰ درصد از جوانان منطقه کارائیب کشور خود را ترک می‌کنند.

۲- هر جا که مهاجرت قانونی است، افزایش آن کاملاً مشهود است.

۳- مهاجرت‌های غیرقانونی نیز بعلت غیر قابل کنترل بودن سائلی را به‌راه دارد.

۴- مهاجرین دائماً "علل گوناگون از قبیل رقابت‌های شعلی، ترس از ازدواج و عدم نجاس فرهنگی در توشش سر می‌برند، و این حالت به سایر مهاجرین نیز سرایت می‌کند.

۵- علاوه بر همه اینها مهاجرت‌های بین‌المللی ممکن است حتی بین کشور مبدأ و کشور مقصد برخوردهای سیاسی ایجاد نماید.

منظور موفقیت برنامه‌ها، انگونه سیاستها باید اولاً "هدنی واقعی را دنبال کند. ثانیاً "سن آنها و برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور هماهنگی ایجاد گردد و ثالثاً "سیاستها طوری تنظیم شود که دربرگیرنده، واقعی علل مهاجرت بوده و حقیقتاً به رفع آن علل بپردازند. در این خصوص لازم به توضیح مکرر است که شاید تحت نظم و قاعده درآوردن مهاجرت‌های بی‌روبه سار مضر اثرات را بطور کلی مازره با آن باشد.

مشکلات دولتها:

بسیاری از دولتها بعلت ناهماهنگ بودن یراکنندگی جمعیت در کشورشان و خصوصاً "تراکم بیش‌ازحد شهرها با مشکلاتی مواجهند. به عنوان مثال کنفرانس بین‌المجالس آفریقا که در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد در خصوص جمعیت و توسعه چنین تصریح می‌کند:

"دولتها به خاطر نا، مین منابع خصوصاً "زمین و آب برای جمعیت کشورشان که بطور کاملاً "ناهماهنگ یراکننده شده در مضیقه هستند. این وضعیت برای بکارگیری نیروها در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وضعیتی بسیار نامساعد است، زیرا همه می‌دانند که گرایش مهاجرت از روستا به شهر گزایشی است که با اجرای برنامه‌های توسعه مغایرت دارد. این پدیده طی دو دهه اخیر به اوج وخامت خود رسیده ...

بر اساس گفته مقامات دولت اندونزی در سال ۱۹۷۰، "تراکم -

شهرها آنگنان اوضاع وخیمی بخود گرفته که امید به هرگونه اصلاحی را به یاس سدل کرده و دیگر حتی برقراری هرگونه نظم و امنیت و احرای هرگونه قانونی در جاگارتا غیرممکن سطر می‌رسد ...

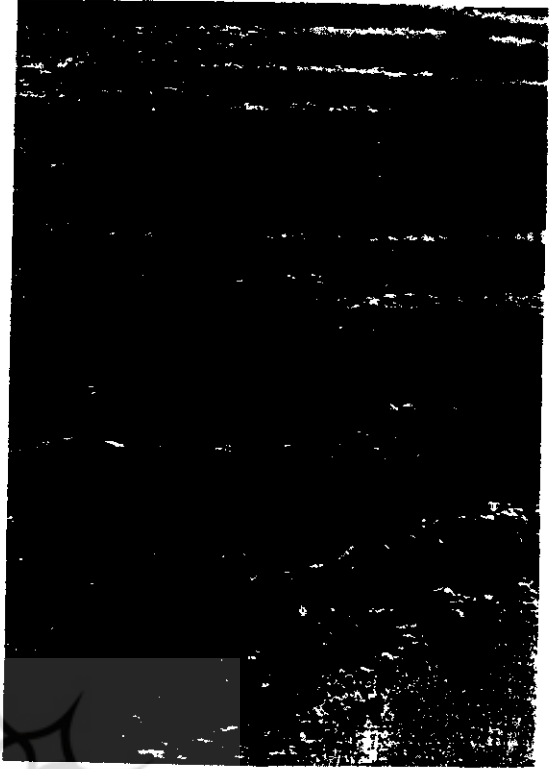
توسعه روستاها:

اغلب دولتها تصور می‌کنند که توسعه روستاها نه تنها باعث افزایش تولید محصولات کشاورزی است، بلکه تاحدی موجب انصراف روستائیان از مهاجرت می‌شود. البته این تصور درست است لیکن باید در نظر داشت که ارائه خدمات بهتر و توسعه وسائل رفاهی باعث بالا رفتن استانداردهای زندگی در روستاها نیز می‌شود.

پروژه‌های عمرانی روستاها فعالیت‌های متعددی را از طرحهای پرخرج نظیر آبیاری، مکانیزه کردن کشاورزی، تغییر و تحول در کیفیت و کمیت محصولات و اصلاحات ارضی گرفته تا طرحهایی که مبارمند کارگر فراوان است و نامین خدمات اجتماعی و غیره را شامل می‌شود. حال اگر توسعه روستاها تنها به منظور امت مهاجرت از روستا به شهر صورت گیرد، سحش میزان نا، نیر آن دشوار خواهد بود. ولی بطور متوسط برنامه‌های عمران روستائی نا، نیر قابل توجهی برای جریان نداشته است، و حتی برخی از برنامه‌ها چنانچه فیلاً هم ذکر شد نتیجهای معکوس به بار آورده. البته ممکن است یکی از علل ناموفق بودن برنامه‌ها نیمه نعام گذاشت آنها باشد. تحلیلی که در مورد ۱۵ برنامه عمرانی صورت گرفت نشان داد که ۱۱ برنامه اثراتی هم مثبت و هم منعی بر سر مهاجرتها داشته‌اند. ولی در هر صورت برنامه‌های توسعه روستائی هرچند ممکن است بارده، فراوانی نداشته باشد، لیکن حداقل می‌تواند موجب کاهش سرعت این جریان و با احراف آن از روستا به شهرهای نسا "کوچک گردد.

یکی از خطرات برنامه‌های پرخرج کشاورزی که روستائیان را تهدید می‌کند اینستکه تنها کشاورزان متعول قادر به اجرای آنها می‌باشند، و هنگامیکه افزایش تولید انگونه کشاورزان موجب نرول قیمتها شد، کشاورزان جز برای فروش محصولات تحت فشار قرار می‌گیرند. آنها ممکن است بهمین خاطر فرزندانشان را روانه شهر سازند. بعلاوه ماشینی کردن کارها باعث بیکار ماندن کارگران می‌شود، در حالیکه احرای برنامه‌هایی که نیازمند کارگر فراوان است نظیر آماده کردن زمین و آبیاری دسنی موجب احاد شغل و کسب درآمد بیشتر برای کشاورزان کوچک می‌شود.

اصلاحات ارضی ممکن است که درابتدا موجب دلگرمی روستائیان شده و آنها را از مهاجرت باز دارد، لیکن بدون کمکهای مالی و فنی به زارعین کوچک، آنها قطعاً "پسرفنی نداشته و از نظر اقتصادی فقیرتر خواهند شد. مسئله دیگری که اصلاحات ارضی یعنی توریع زمینها به قطعات کوچک در بی دارد اینستکه مادامیکه نسبت تولید مثل بالا است، اصلاحات ارضی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. زیرا نسل بعد یا باید از داشتن زمین محروم بمانند و یا

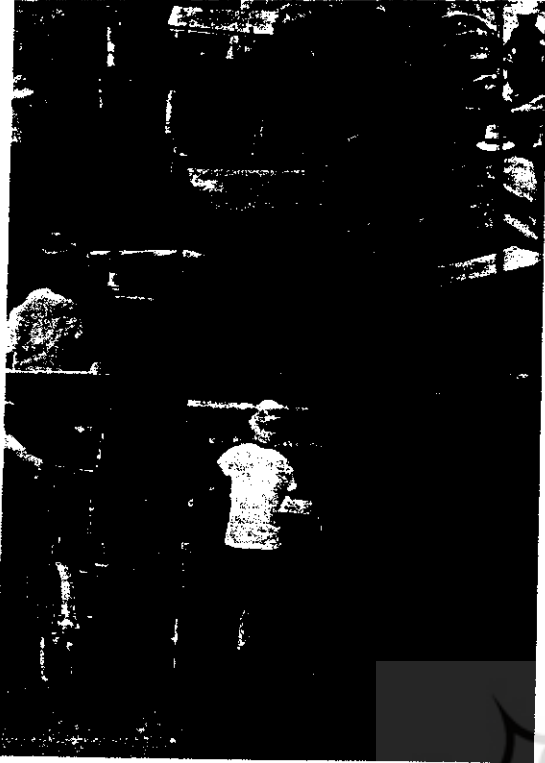


این قطعات کوچک مجدداً "بین آبانه قطعاتی کوچکتر تقسیم شود. در هر دو صورت، این نسل نعلت عدم تأمین مخارج زندگی روانه شهر خواهند شد. البته در بیشتر مناطق دنیا ملتها و دولتها نگران تورع باسامان جمعیت هستند نه نگران نیست سرح باروری و رشد جمعیت.

سایر روستاهایی که برای انصراف روستائیان پیش گرفته شده، نظیر ایجاد مشاغل صنعتی، خدماتی و ساختنای سرائراتی هم مثبت و هم منفی داشته‌اند. بسیاری از صنایع روستائیان احتیاج به کارگر فراوان ندارند و علاوه بر آن بیشتر در شهرهای کوچک بنا می‌شوند نه در یک روستای واقعی. کارهای خدماتی در ابتدا بسیاری از کارگران بی تخصص را جذب می‌کند، لیکن آنها پس از جدی، که در آن کار مهارت کست کردند به مهاجرت بسوی شهر وسوسه می‌شوند. ساختن جاده‌ها هزینه حمل محصولات کشاورزی را کاهش می‌دهد، لیکن مهاجرت را هم تشویق می‌کند. ساختن مدارس از رحمت کودکان در رفتن به مدرسه می‌کاهد، لیکن کست مواد و مدرک، انتظار آنها را برای یافتن شغلی در شهر بالا می‌برد.

ایجاد موانع برای محدود نگهداشتن شهرها:

مقامات تصمیم گرفته‌اند در بسیاری از شهرها که سرعت در حال توسعه هستند سعی کرده‌اند با ایجاد موانعی نظیر فوایس محدود



کننده، تهیه مسکن و شغل، روستائیان را از مهاجرت بازدارد. تخریب خانه‌هایی که بدون مجور در حاشیه شهرها ساخته شده‌بکی از راج تریس روستائیان است که در آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا به کار گرفته می‌شود. معذالک این روشی است که ۱۰۰ درصد اثر مثبت ندارد. زیرا بسیاری از این افراد مجدداً "بارگشته و معمولاً" برای بار دوم در همان محل شروع به ساختن می‌کنند. این روش حتی باعث دلسردی سایر مهاجرین شده است، چنانکه این عمل در بسیاری موجب عبور ووال کار مهاجرین گردید ولی در سر مهاجرینها تأخیری نداشت.

بناظر می‌رسد محدود کردن مشاغلی که اغلب مهاجرین بدان مشغولند روشی مؤثرتر است. در سال ۱۹۷۰ که دولت اندونزی تصمیم به مبارزه با این امر گرفت، فروشندگان دوره‌گرد و مسافرخانه‌ها دوجرخهای (۱) (rickshaws) از خیابانهای اصلی شهر جمع‌آوری شدند. این امر دو منبع مهم درآمد مهاجرین را قطع و بسیاری از آنها مجبور به بازگشت شدند. همین عمل اخیراً یعنی سال ۱۹۸۱ در لئما مرکز پروانجام شد. بدین معنی که دستفروشان خیابانی مجبور به نقل مکان به بازاری سرتاز در کنار شهر شدند. البته اجرای این امر تأقدر مشکل بود که مقامات شهر ناچار به استفاده از نیروی پلیس مخصوص شدند.

از دیگر موانعی که در این راه ایجاد شده صدور مجور برای اقامت

در بعضی شهرها است. دولت اندونزی در سال ۱۹۷۵ اقدام به این کار نمود. بدین ترتیب که هر تازه وارد می‌توانست پس از سپردن مبلغی پول نزد اداره پلیس، کارت اقامت برای شش ماه دریافت کند. پس از شش ماه چنانچه وی شغلی که مورد تأیید پلیس است یافته و محلی برای سکونت نیز تهیه کرده بود می‌توانست کارت اقامت دائم بگیرد. این روش بسیار مؤثر بوده و از تعداد مهاجرین بطور محسوسی کاسته شد. البته باید متذکر شد که در همان سال کمک‌هایی به زارعین صورت گرفت که موجب بالا رفتن میزان محصولات در روستا گردید. همین سیاست در چند کشور آفریقایی یعنی کنگو، نجر، تانزانیا و زئیر اتخاذ شد ولی به علت کم کاری و عدم کفایت نیروی پلیس با شکست مواجه شد.

با همه تدابیر و سیاستها، تنها قراردادن محدودیتهایی برای مهاجرت می‌تواند کارساز بوده و تا حدی از شدت این جریان بکاهد. در کوبا وجود سیستم کارت اقامت و کارت شناسایی مشاغل احتمالا باعث پیشگیری مهاجرتهای بی‌رویه به هاوانا گشته در برخی کشورها مانند ویتنام و چین مقررات دقیقتری برای تقلیل این جریان بکار گرفته می‌شود. در چین طی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، ۱۵ تا ۱۵ میلیون نعرار جوانان شهرها به روستاها برده شده و وادار به زندگی روستایی شده‌اند. و بیشتر دانش‌آموزانی که اولیاء آنها از روستا به شهر آمده‌اند، برای تحصیل به روستا بارگردانده می‌شوند. بطور کلی همه تلاشهایی که برای محدود کردن اقامت در شهرها و اسخدام انجام می‌شود در صورتی موفق خواهد بود که از مدیریتی قوی و صحیح برخوردار بوده، دقیقاً اجرا شده و همزمان با آن وضع روستاها اصلاح شود. به عبارت دیگر این تلاشها می‌تواند موجب فساد، رعوه خواری، قانون شکنی و کلاهبرداری فاسوی شود مگر آنکه با سایر تدابیر سیاسی همراه گردد.

تقویت و توسعه شهرهای کوچک:

در مالکی که ادامه مهاجرت به شهرها امری اجتناب ناپذیر گشته و پایتخت بیش از حد بزرگ شده، دولت‌ها می‌توانند انگیزه‌های مختلفی برای مهاجرت روستائیان به شهرهای کوچک ایجاد نمایند. بیشتر کشورها برخی از شهرهای موجود را به عنوان مراکز استان معرفی می‌کنند. مانند مراکز استانی در نیلی، ورونولا و تابلند. برخی از کشورها شهرهای جدیدی در بعضی مناطق بنا کرده‌اند که از مهمترین آنها برزیل و پاکستان را می‌توان نام برد که پایتخت را به براریلیا و اسلام آباد منتقل کرده‌اند و نجریه و تانزانیا نیز درصدد انتقال پایتخت هستند. ورونولا درآمد نفت خود را طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ به ساختن شهر صنعتی کویدادگوانا (۲) اختصاص داد و مصر طرح ساختن شهرهایی را به مرحله اجرا گذاشته که گنجایش جذب ۱۵ میلیون نفر را دارا می‌باشد.

دو عامل باردارنده نیز حجت اتخاذ این سیاست وجود دارد، هزینه سنگین شهرسازی و عدم باردهی کامل، به عنوان مثال دولت ونزوئلا، دو میلیون دلار فقط صرف شهرسازی کویدادگوانا نمود. در حالیکه ممکن است بازده آنچنان که انتظار می‌رفت نداشته باشد.

انتقال حاشیه‌نشینان به شهرکهای مهاجرنشین:

یکی دیگر از روشها که دولتها می‌توانند مورد استفاده قرار دهند، انتقال حاشیه‌نشینان شهرها به آبادیهای با جمعیت کم و زمینهای قابل کشت است. دلایل زیادی برای این کار وجود دارد. توزیع جمعیت در کشور، توسعه کشاورزی و بالا بردن میزان محصول و اعطای زمین به بی زمین‌ها.

این برنامه سیر اثراتی دو جانبه داشته است. در حالیکه در هند موفقیت عظیمی از این برنامه کسب گردیده، در بولیوی اغلب اسکان یافتگان، محل را ترک کرده‌اند. حتی در برنامه‌هایی که نسبتاً موفق بوده، تعداد کل کسانی که به مهاجرنشین‌ها نقل مکان یافته‌اند زیاد نیست. یکی از موفق‌ترین برنامه‌ها در مالتی بود که تنها ۳ درصد از جمعیت کشور به این شهرکها رفته و همه آنها هم از مهاجرین روستا به شهر بودند.

محدداً لازم به توضیح است که مدیریتی کارآمد و همسو بودن کلیه برنامه‌ها مهمترین عوامل در موفقیت و یا شکست این برنامه است. مسائلی نظیر تقسیم مسئولیت اجرای این برنامه بین نهادهای مختلف دولتی، نداشتن مناطقی واقفاً مناسب، عدم تأمین موقع کمکهای ننی و وسائل کشاورزی و غیره از مسائلی است که می‌تواند منجر به شکست طرح گردد.

حل مسائل مهاجرین:

سبب بسیاری از دولتها بحای آنکه جریان مهاجرت از روستا به شهر را متوقف و یا کند نمایند، بوسله اصلاح وضعیت مسکن و ایجاد مشاغل در شهرها آرا ترحم می‌نمایند. البته این سیاست جهت حل مشکلات شهرنشینان اتخاذ میگردد، لیکن علت کمک غیر مستقیمی که به مهاجرین می‌شود، این جریان را سریعتر می‌کند. در حقیقت هر نوع تلاشی جهت بهبود وضع شهر، ضمن آنکه موجب حل مسائل شهر می‌شود، خود انگیزه‌ای برای جلب بیشتر مهاجرین است.

مشکلات سیاسی و شکست روشها:

یکی از علل شکست این روشها عدم حمایت واقعی دولت و سیاستگزاران است. بسیاری از اوقات دولت تحت فشار صنایع بزرگ قرار میگیرد زیرا آنها مایلند این نیروهای مهاجر را دائماً کارگرفته و بدین وسیله سطح دستمزدها را پائین نگهدارند. برخی

دیگر از دولتها خود مایلند پایتخت را توسعه و رونق دهند زیرا آنها سبیل استقلال و شان پیشرفت میدانند. گاهی اوقات هم که دولتی واقعا "در این امر مشارکت می کند، با کوچکترین تفسیری در آن دولت، باز ادامه این حرکت به مخاطره می افتد. همین گستگتی، همه تلاشهای پیشین را بی اثر کرده و تا سالهای سال اجرای هر نوع برنامه ای را مشکل می سازد.

علت دیگر شکست تلاشها عدم اطلاع کافی سیاستگزاران از انگیزه های مهاجرت و نتایج آنست. برنامه ها و روشهایی که برای مبارزه با این امر وجود دارد ممکن است در هر مملکتی قابل اجرا نباشد. بعلاوه انتظار مسئولین از کارآیی هر برنامه بسیار زیاد است، و اگر تا حد مطلوب و مورد نظر آنان تأثیر نداشته باشد آنرا بی فایده میدانند.

سومی و شاید مهم ترین علت تضادی است که بین اهداف مبارزه با مهاجرت به شهرها و طرحهای توسعه ملی وجود دارد. به عنوان مثال تخصیص بودجه به مناطق مختلف جغرافیائی کشور، قوانین اقتصادی، حداقل سطح دستمزد و محل فرار گرفتن ادارات دولتی همه و همه عواملی هستند که بر این امر اثر می گذارند. معمولا" به علت فشارها و مشکلات سیاسی که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد، این دولتها علیرغم ادعاهای خود سستی بر توسعه روستاها در شهرها سرمایه گذاری می نمایند. به عنوان مثال پایتخت بروندی که تنها ۴ درصد از جمعیت کشور در آن سکونت دارند، ۹۵ درصد از بودجه راهها و ۸۵ درصد از بودجه مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش را به خود اختصاص داده است. چین و کوبا از این قاعده مستثنی بوده و بیشتر منابع بطور واقعی و عملی به مناطق روستائی اختصاص دارد و مهاجرت هم در این کشورها تا حدی کنترل شده است.

قوانین اقتصادی بسیاری از کشورها اغلب به نحوی است که منجر به حمایت از صنایع و رکود کشاورزی می شود. یکی از این نمونه ها کشور آفریقای غربی است. در این کشور از طرفی قیمت محصولاتی که خرید و فروش آن توسط دولت انجام می شود پائین نگهداشته شده و کشاورز کمترین استفاده را از محصول خود می برد و از طرف دیگر، قیمت مواد غذایی عمومی در شهرها نیز ثابت نگهداشته می شود، که نتیجه آن پائین بودن مصنوعی هزینه زندگی در شهر و عدم تأمین مخارج زندگی در روستا است.

تعمیر حداقل دستمزد نیز تنها برای شهرنشینان و مشاغل شهری صورت می گیرد و با لاقط فقط در شهر واقعا "کنترل و اجرا می شود، و این خود موجب ایجاد تفاوت در درآمد شهرنشینان و روستائیان است. انگیزه ای که نمی توان به سهولت از آن گذشت، هنگامی که سطح دستمزدها با افزایش نیروی کار در شهرها پائین نمی آید، تأثیر مثبت آن بر مهاجرت و حذف بیشتر روستائیان غیرقابل اجتناب می گردد.

تجمع ادارات دولتی در شهرهای بزرگ نیز در این امر اثر دارد، زیرا دولت بزرگترین مرکز استخدامی هر کشور است. این موضوع یعنی تجمع ادارات در شهرهای بزرگ، خود باعث متمرکز شدن سایر مشاغل در این شهرها می شود. زیرا تشکیلات مربوط به مشاغل آراد نیز جهت رفع نیازهای خود ناچار به داشتن رابطهای مستمر با دولت هستند. بطور کلی هر قدر که وابستگی امور از نظر اقتصادی و غیره به دولت بیشتر بوده و نقش دولت در آنها فعال تر است، همان قدر مهاجرت بطرف پایتخت سریعتر است.

این تحلیلیها و ارزیابی روشهای توزیع جمعیت در تمام سطح کشور نتیجه دهها سال تجربه عملی در کشورهای اروپای غربی است. این کشورها نیز در اقدامات اولیه خود مانند ایجاد تسهیلات زندگی در روستاها و دادن وام به صایحی که در مناطق محرومتر فعالیت دارند یا شکست مواحه شدند. موفقیت هنگامی حاصل شد که تدابیر متعددی همزمان با هم اتخاذ گردید: اختصاص ۲۰ درصد از بودجه هر واحد صنعتی به طرحها و فعالیتهایی که آن واحد در مناطق دور دست به اجرا می گذارد، ممنوعیت ایجاد صنایع در شهرهای بزرگ و انتقال تدریجی ادارات دولتی و صنایع وابسته به دولت. البته تعیین میزان بازدهی هر یک از این طرحها در هر کشور متفاوت بوده و نمی توان قاعده ای کلی برای آن در نظر گرفت.

در حال حاضر آنها دیگر کنترلی از این جهات بر صنایع ندارند، و پس از اجرای برنامه های فوق، مسائل جانی آن نیز از قبیل تأمین نیروی کار و استخدام ساکنین روستاها یا مهاجرین از شهر بازگشته بر اثر مرور زمان مرتفع گردید. در خاتمه تنها چیزی که میتوان به صراحت گفت این است که کنترل و نظارت مستقیم دولت در کوتاه مدت همراه با اعمال فشار لازمه موفقیت هر یک از این برنامه ها است که البته اغلب با صرف هزینه های کلانی نبره همراه است.

یادداشت

(۱) - دو چرخه های است معمول در کشورهای آسیا که با آن به حمل مسافر می پردازد.

2- Ciudad Guayana

منابع

۱ - این مقاله ترجمه و تلخیصی است از:

Population Reports. Series M No.7 September-October 1983.

The Johns Hopkins University.